

تاثیر ساختار مالکیت بر اثربخشی کمیته حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

فاطمه السادات موسوی

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی هشت بهشت، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

fatemehsadat.moosavi93@gmail.com

دکتر محسن دستگیر

استاد حسابداری، موسسه آموزش عالی هشت بهشت، اصفهان، ایران.

dastmw@yahoo.com

شماره ۳۰ / پاییز ۱۳۹۹ (جلد دوم) / صص ۱۲-۳۱
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

چکیده

کمیته حسابرسی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از رسوایی‌های مالی شرکت‌های بزرگ کانون توجه نهادهای قانونگذار و حرفه‌ای کشورهای توسعه یافته قرار گرفته است. این کمیته مسئول نظارت بر راهبری شرکتی، فرآیند گزارشگری مالی، ساختار کنترل داخلی، عملکرد حسابرس داخلی و فعالیت‌های حسابرس مستقل است و به نیابت از هیئت مدیره و نیز از طریق اطمینان‌بخشی نسبت به وظیفه پاسخگویی شرکت، از سهامداران حمایت می‌کند. به عبارت دیگر، کمیته حسابرسی بر موضوعات با اهمیت گزارشگری مالی نظارت کرده، رعایت استانداردهای حسابداری را کنترل می‌کند و اطمینان حاصل می‌کند که کلیه اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری افشا شده باشد. هدف این پژوهش بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر اثربخشی کمیته حسابرسی است. برای نیل به این هدف نمونه‌ای متشکل از ۱۸۴ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را انتخاب کرده و با استفاده از نرم افزار ایویوز ۱۰ تاثیر چند عامل را بررسی کرده‌ایم. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت متمرکز، مالکیت دولتی و مالکیت نهادی بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر معناداری ندارد.

کلید واژگان: مالکیت متمرکز، مالکیت دولتی، مالکیت نهادی، اثربخشی کمیته حسابرسی.

مقدمه

کمیته حسابرسی، یکی از مؤثرترین کمیته‌هایی است که با هیئت مدیره در ارتباط است. این کمیته طی قرن بیستم به منظور ایجاد هم‌کنشی بین مدیریت و حسابرس مستقل تشکیل شده است. اعضای کمیته حسابرسی بیشتر شامل اعضای غیرموظف هیئت مدیره هستند که بین حسابرس مستقل و حسابرس داخلی همبستگی ایجاد می‌کنند (حساس‌یگانه و پاکیزه، ۱۳۸۶). کمیته حسابرسی مسئول نظارت بر راهبری شرکتی، فرآیند گزارشگری مالی، ساختار کنترل داخلی، عملکرد حسابرس داخلی و

فعالیت‌های حسابرس مستقل است و به نیابت از هیئت مدیره و از طریق اطمینان بخشی نسبت به وظیفه پاسخگویی شرکت از سهامداران حمایت می‌کند (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). کمیته حسابرسی به دلیل استقلال از هیئت مدیره واحد اقتصادی، سبب حفظ ارتباط بین هیئت مدیره واحد اقتصادی، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی نیز می‌شود. ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرسان، اطلاعاتی به‌هنگام درباره وضعیت مالی واحد اقتصادی و نیز اطلاعاتی لازم برای ارزیابی و دستکاری مدیریت در اختیار هیئت مدیره واحد اقتصادی قرار می‌دهد (علوی طبری و عصابخش، ۱۳۸۹). این کمیته جهت حفظ منافع سهامداران باید نگرش جستجوگرانه‌ای برگزیده و قضاوت‌های مدیریت را مورد سؤال قرار دهد. از این رو ترکیب و ساختار کمیته‌های حسابرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از طرفی دیگر، ترکیب کمیته حسابرسی محرک اصلی اثربخشی است (تختایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ محمدیان، ۱۳۹۰؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۵).

رشد و توسعه اقتصادی، افزایش شرکت‌های سهامی و تفکیک مدیریت از مالکیت، امروزه مسائل نمایندگی را به یکی از مهمترین دغدغه‌های سرمایه‌گذاران تبدیل کرده است. در روابط نمایندگی، هدف مالکان حداکثرسازی ثروت است و لذا به منظور دستیابی به این هدف بر کار نماینده نظارت می‌کنند و عملکرد وی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (شهیکی تاش و همکاران، ۱۳۹۱). با جدایی مالکیت از مدیریت و پیدایش تضاد منافع بین مالکان و مدیران، ارزیابی و بررسی عملکرد شرکت‌ها و مدیران از موضوعات مورد توجه اقشار مختلف مانند اعتباردهندگان و مالکان است. امروزه مشکل تفکیک مالکیت از مدیریت، بیانگر این موضوع است که چگونه می‌توان اطمینان حاصل کرد که مدیران از آزادی عمل خویش در راستای منافع سرمایه‌گذاران استفاده خواهند کرد (همتی و همکاران، ۱۳۹۴).

ابزارهای مختلف مورد استفاده برای همسو کردن منافع مدیران و مالکان، ابزارهای حاکمیت شرکتی نامیده می‌شود. حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از روش‌ها، سیاست‌ها و اصول حقوقی است که برای حذف مشکلات نمایندگی مالکیت که ناشی از جداسازی مالکیت و کنترل در یک شرکت طراحی شده است. مکانیزم‌های قوی حاکمیت شرکتی مؤثر از منافع همه سهامداران و افراد ذینفع حمایت کرده، عملکرد شرکت را بهبود بخشیده و این اطمینان را ایجاد می‌کند که سرمایه‌گذاران بازده کافی از سرمایه‌های خود دریافت خواهند کرد (آقایی و همکاران، ۱۳۸۸). کاهش ریسک بنگاه اقتصادی از طریق بهبود ارتقاء شفافیت و پاسخ‌گویی و بهبود کارایی بلندمدت سازمان از طریق جلوگیری از خودکامگی و عدم مسئولیت پذیری مدیریت اجرایی، دو هدف حاکمیت راهبری شرکتی است (حساس‌یگانه و همکاران، ۱۳۸۸). کمیته حسابرسی از اجزای ارکان حاکمیت شرکت تلقی می‌شود و عاملی تعیین کننده در روند گزارشگری مالی است که اعتبار صورت‌های مالی حسابرسی شده را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، شرکت‌ها و سهامداران برای نظارت دقیق‌تر بر زمینه‌هایی چون ریسک، جلوگیری از اتلاف منابع شرکت، صحت گزارشگری مالی و رعایت الزامات قانونی و مقرراتی، بر قضاوت اعضای کمیته حسابرسی اتکا می‌کنند (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵).

در این تحقیق، این موضوع بررسی می‌گردد که آیا متفاوت بودن ساختار مالکیت شرکت بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر دارد؟ ساختار مالکیت از موضوعات مهم حاکمیت شرکتی به شمار می‌رود که انگیزه مدیران را تحت تاثیر قرار می‌دهد (سورگی، ۱۳۹۵). ساختار مالکیت به عنوان مهمترین پارامتر مؤثر بر ارزش‌گذاری شرکت‌ها و برای جهت‌گیری آنان در بازارهای سرمایه مطرح گردیده است (عبداللهی، ۱۳۸۸). ساختار مالکیت به بیان ساده یعنی چه اشخاصی اعم از حقیقی یا حقوقی، بر تصمیمات عملیاتی و استراتژیک یک شرکت، تسلط و حکم فرمایی دارند. به بیان دیگر، ساختار مالکیت یا ترکیب سهامداری به معنی نحوه توزیع سهام و حقوق مالکیت به لحاظ حق رای و سرمایه، بعلاوه ماهیت و موجودیت مالکان سهام

است (سورگی، ۱۳۹۵). ساختار مالکیت در ادبیات حاکمیت شرکتی دارای یک جایگاه هسته‌ای و مشخص است. تعیین نوع ساختار مالکیت و ترکیب سهامداران شرکت یک ابزار کنترل و اعمال حکمرانی در شرکت‌هاست (پیرایش و اشتری، ۱۳۹۶). یافته‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های مالک به یک شکل و میزان، از قدرت و همسویی در اثرگذاری بر عملکرد شرکت برخوردار نیستند (سانگون، ۲۰۰۸). ترکیب مالکان یعنی این که سهامداران چه کسانی هستند و چه افرادی از میان آنها کنترل شرکت را در اختیار دارند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین انجام مطالعات بیشتر در خصوص ساختار مالکیت، جهت بررسی این که آیا مالکان مختلف مکملی برای اثربخشی کمیته حسابرسی می‌باشند یا خیر، ضروری به نظر می‌رسد. تحقیقات بسیاری در زمینه ساختار مالکیت در ایران انجام شده است، اما با توجه به خلاء در زمینه بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر اثربخشی کمیته حسابرسی در ایران، انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که در سال‌های اخیر توجه به موضوع اثربخشی کمیته حسابرسی فزونی یافته است، در نتیجه شواهد این پژوهش می‌تواند دیدگاه جدیدی در زمینه مکانیزم‌های راهبری شرکتی ارائه دهد.

بیان مسئله و اهمیت آن

کمیته حسابرسی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از رسوایی‌های مالی شرکت‌های بزرگ از جمله انرون، وردکام و...، کانون توجه نهادهای قانونگذار و حرفه‌ای کشورهای توسعه یافته و بین‌المللی قرار گرفته است. به علاوه این کمیته که از ارکان اصلی راهبری شرکتی محسوب می‌شود، به هیأت‌های مدیره در انجام وظایف مالی و امانتداریشان در برابر سهامداران کمک می‌کند. همچنین کمیته حسابرسی موجب ارتقای سطح پاسخگویی مدیران نهادهای دولتی و بخش عمومی در برابر شهروندان و نمایندگان منتخب آنها می‌شود (قنبریان، ۱۳۹۰). کمیته حسابرسی مسئول نظارت بر راهبری شرکتی، فرآیند گزارشگری مالی، ساختار کنترل داخلی، عملکرد حسابرس داخلی و فعالیت‌های حسابرس مستقل است و به نیابت از هیئت مدیره و از طریق اطمینان‌بخشی نسبت به وظیفه پاسخگویی شرکت، از سهامداران حمایت می‌کند. این کمیته جهت حفظ منافع سهامداران باید نگرش جستجوگرانه‌ای برگزیند و قضاوت‌های مدیریت را مورد سؤال قرار دهد. از این رو ترکیب و ساختار کمیته‌های حسابرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از طرفی دیگر، ترکیب کمیته حسابرسی محرک اصلی اثربخشی است (تختایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۵). ویژگی‌های مختلف کمیته حسابرسی شامل: استقلال، تخصص مالی و اندازه کمیته حسابرسی می‌توانند باعث اثربخشی بهتر کمیته حسابرسی شوند (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴؛ رویایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴).

استقلال اعضای کمیته حسابرسی موجب بهبود فرآیند نظارت می‌گردد. اعضای مستقل، وابستگی اقتصادی و ذهنی به مدیران شرکت ندارند که این موضوع منجر به اخلال در توانایی آنها در بررسی اقدامات آنان گردد. همچنین حفظ و افزایش سرمایه شهرت مدیران، انگیزه‌هایی برای پایش بهتر اعضای مستقل کمیته حسابرسی ایجاد می‌کند (کارسلو و نیل، ۲۰۰۳). تعداد بالای اعضای غیرموظف در کمیته حسابرسی، شهرت کمیته را به عنوان یک ابزار نظارتی اثربخش افزایش می‌دهد (پورتر و جندال، ۱۹۹۳). اگر کمیته حسابرسی کاملاً از مدیران غیرموظف و مستقل تشکیل شده باشد، می‌تواند به پاسخگویی بهتر و شفافیت بیشتر سازمان‌ها کمک نماید (پوچتامارتینز و دی‌فونتر، ۲۰۰۷).

تخصص و مهارت اعضای کمیته حسابرسی، یکی دیگر از ویژگی‌های کمیته حسابرسی است که با اثربخشی کمیته حسابرسی ارتباط تنگاتنگی دارد. منظور از تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، نسبت حضور اعضای دارای دانش و تخصص

حسابداری و مالی در کمیته حسابرسی می‌باشد. اعضای کمیته حسابرسی برای انجام موثر وظایف خود در منشور باید تخصص مالی داشته باشند و این تخصص فراتر از آشنایی صرف با صورت‌های مالی است (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). چنانچه اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی باشند، درک بهتری از قضاوت‌های حسابرس و اختلاف نظرهای موجود بین حسابرس مستقل و مدیریت دارند. از این رو تخصص مالی کمیته حسابرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (دیزورت و سالتزیو، ۲۰۰۱).

به منظور کنترل و نظارت بر فعالیت‌های مدیریت ارشد، کمیته حسابرسی باید اعضای کافی برای انجام مسئولیت‌های خود داشته باشد (ویتن و لی، ۱۹۹۳). اندازه بزرگ کمیته حسابرسی از اثربخشی عملکرد کمیته حسابرسی حمایت می‌کند. چنانچه تعداد اعضای کمیته حسابرسی کم باشد، با توجه به کمبود مهارت و دانش اعضاء، آنها نمی‌توانند فعالیت‌های بیشتری را انجام دهند (فؤاد، ۲۰۱۷). تعداد اعضای مناسب در کمیته حسابرسی، اجازه می‌دهد تا اعضاء از تجربه و تخصص خود برای منافع ذی‌نفعان استفاده نمایند (رحمت و اسکندر، ۲۰۰۹). کمیته حسابرسی باید منابع خود را، از نظر تعداد و قدرت مدیران، برای انجام نقش نظارت به نحو اثربخش به کار گیرد (دیفوند و همکاران، ۲۰۰۵). کمیته حسابرسی بزرگ، قدرت لازم، تنوع تخصص و آراء را دارد که این مقوله منجر به افزایش اطمینان از نظارت مناسب می‌گردد (بدارد و همکاران، ۲۰۰۴).

ساختار مالکیت در ادبیات راهبری شرکتی دارای یک جایگاه هسته‌ای و مشخص است. تعیین نوع ساختار مالکیت و ترکیب سهامداران شرکت یک ابزار کنترل و اعمال راهبری در شرکت‌هاست. این بُعد از راهبری در قالب ابعاد مختلف تعیین‌کننده‌ی نوع مالکیت شرکت، نظیر توزیع مالکیت، تمرکز مالکیت، وجود سهامداران جزء، اقلیت و عمده در ترکیب مالکیت شرکت و درصد مالکیت آنها قابل بررسی است. همچنین ترکیب سهامداران شرکت‌ها از الگوهای متفاوتی نظیر سهامداران حقوقی، مالکیت مدیریتی، سهامداران عمده و دولتی و ... تبعیت می‌کنند (پیرایش و اشتري، ۱۳۹۶).

در نگاهی کلی، راهبری شرکتی شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کند. عناصری که در این صحنه حضور دارند، عبارت است از سهامداران و ساختار مالکیت آنان، اعضای هیئت مدیره و ترکیباتشان، مدیریت شرکت که توسط مدیر عامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذینفعان که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند (سولومون و سولومون، ۱۳۸۴). در این میان آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند حضور روزافزون سرمایه‌گذاران نهادی در دایره مالکان شرکت‌های سهامی عام و تأثیری است که حضور فعال این گروه بر چگونگی حکمرانی و تولید بر سازمان‌ها و همچنین عملکرد آنها می‌تواند داشته باشد (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷). در ادبیات راهبری شرکتی، سهامداران نهادی به عنوان یکی از سازوکارهای برون سازمانی موثر بر نظارت شرکت شناخته می‌شوند. این گروه از فعالان بازار با توجه به برخورداری از دانش و تخصص کافی، دسترسی به کانال‌های ارتباطی موثر و انگیزه لازم برای نظارت بر عملکرد مدیریت، می‌توانند نقش اساسی در ارتقای سیستم راهبری شرکتی و در نتیجه افزایش کارایی و بهره‌وری شرکت ایفا کنند (میترا و همکاران، ۲۰۰۷). سرمایه‌گذاران نهادی به سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، اعضای هیئت مدیره و ... می‌گویند (بوشی، ۱۹۹۸). سرمایه‌گذاران نهادی از طریق نقش نظارت فعال خود بر مدیران شرکت‌ها، می‌توانند از تصمیم‌گیری و رفتارهای فرصت طلبانه مدیران جلوگیری کنند (درمدی و سوددیکن، ۲۰۱۳؛ ویکتوریایویچ و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین مطابق با پژوهش الموسالی و همکاران (۲۰۱۹) انتظار می‌رود سرمایه‌گذاران نهادی، کمیته حسابرسی را ترغیب کنند که وظایف خود را به عنوان یک سازوکار کلیدی راهبری شرکتی به صورت موثرتر انجام دهند.

از دیگر گروه‌هایی که در کنار سهامداران نهادی نقش بااهمیتی در مقوله‌ی حاکمیت شرکتی ایفا می‌کنند، مالکان دولتی و نهادهای وابسته به دولت هستند (ملکیان و نیکروان‌فرد، ۱۳۹۴). به‌طور کلی سرمایه‌گذاران در بورس به دو دسته سهامداران حقیقی و سهامداران حقوقی تقسیم می‌شوند. بخشی از سهامداران حقوقی را واحدهای دولتی و نهادهای وابسته به دولت مانند بانک‌ها، بیمه تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی تشکیل می‌دهند. این سهامداران به دلیل سهم اندک از شرکت و نداشتن منفعت در جریان‌های نقدی شرکت، به طور مستقیم هیچ انگیزه شخصی برای نظارت بر مدیران ندارند. در نتیجه به نوعی ریسک شرکت‌های دولتی و نهادهای وابسته به دولت را افزایش خواهند داد. اما عده‌ای معتقدند به دلیل این که دولت‌مردان با انگیزه حسن شهرت بر مدیران نظارت می‌کنند، لذا هزینه‌های نظارتی در شرکت‌های دولتی و نهادهای وابسته به دولت کمتر است (آقارودی، ۱۳۹۶). برخی از پژوهشگران معتقدند که دولت به عنوان تنظیم کننده، وظیفه محافظت از مردم را برعهده داشته و وظیفه دارد تا اطمینان حاصل کند که شرکت‌ها شیوه‌های مناسب مدیریتی را برای محافظت از ذینفعان خود به کار می‌گیرند (سعیدی، ۲۰۱۱). بنابراین نیاز به تعیین یک کمیته حسابرسی مؤثر احساس می‌شود که مالکان دولتی و نهادهای وابسته به دولت بتوانند به کمک آنها به وظایف قانونی خود برسند.

تمرکز مالکیت عبارت است از چگونگی توزیع سهام بین سهامداران یک شرکت. هر چه تعداد سهامداران کمتر باشد، مالکیت متمرکزتر خواهد بود. در کشورهایی که تمرکز سهامداران بالا بوده و دارای بازارهای سهام کمتر توسعه یافته هستند، یکی از مسائل اصلی اداره شرکت‌ها تضاد منافع بین سهامداران اصلی و سهامداران اقلیت است. از سوی دیگر در کشورهایی که قوانین و مقررات حفظ حقوق سهامداران دارای ایراد و ضعف است، تمرکز مالکیت اغلب به عنوان راه‌کاری برای کنترل اعمال غیراخلاقی مدیران و تصمیمات اتخاذ شده توسط آنان، ظهور کرده است (خوزین و همکاران، ۱۳۹۷). کسب حق مالکیت به وسیله مدیران و نظارت به وسیله سهامدار عمده، دوراهی است که به شکل بالقوه می‌تواند مسئله نمایندگی را کاهش دهد. حق مالکیت عمده به وسیله مدیران منافع آنها را با منافع سایر سهامداران هم راستا می‌کند، به طوری که مدیریت محرکی برای دنبال کردن فعالیت‌های حداکثر کننده ارزش دارد. وجود سهامداران عمده نیز می‌تواند میزان نظارت را افزایش یا آن را بهبود بخشد (صادقی و رحیمی، ۱۳۹۱). به اعتقاد شلیفر و ویشنی (۱۹۸۶)، در یک مالکیت گسترده هیچ یک از سهامداران کوچک انگیزه‌ای برای نظارت بر مدیریت شرکت ندارند، زیرا در این صورت هر شخصی که بخواهد نظارت کند باید هزینه‌های مرتبط را بپردازد و این در حالی است که بقیه سهامداران نیز از منافع آن استفاده می‌کنند. در واقع هر قدر سهم یک سهامدار از شرکت کمتر باشد منافع حاصل از نظارت بر رفتار مدیر کمتر خواهد بود. بنابراین تمرکز در سهام، نظارت بیشتر بر رفتار مدیر و کاهش فرصت طلبی را به همراه خواهد داشت (شیروانی و سروش‌یار، ۱۳۹۷). از آن جا که این مالکان کنترل شرکت را به طور کامل در اختیار دارند و سیاست‌ها و خط‌مشی کلی شرکت را تعیین می‌کنند، بر اساس منافع و هزینه ناشی از انتخاب حسابرس، اقدام به گزینش مؤسسه حسابرسی با کیفیت بالا می‌نمایند. بنابراین انتظار می‌رود تمرکز مالکیت بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر معناداری داشته باشد.

تاریخچه و مروری بر پیشینه پژوهش پژوهش‌های داخلی

عبدی و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی را با عنوان، اثربخشی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی: دیدگاه نظریه نمایندگی، طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۶ با استفاده از ۱۵۲ شرکت به عنوان نمونه آماری مورد بررسی قرار دادند. فرضیه‌های

پژوهش با استفاده از تحلیل رگرسیون و رویکرد داده‌های ترکیبی نامتوازن مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است بین ویژگی‌های استقلال، تخصص، اندازه و تنوع جنسیتی اعضای کمیته حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها در راستای نظریه نمایندگی و اثربخشی کمیته‌های حسابرسی و نقش آنها در بهبود محیط اطلاعاتی و گزارشگری مالی است.

احمدی‌میر و قهرمانی (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان، تاثیر هیئت مدیره مستقل، مالکیت نهادی و کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ انجام دادند. در پژوهش حاضر، از روش رگرسیون خطی و مدل داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هیئت‌مدیره مستقل، مالکیت نهادی و کمیته حسابرسی مستقل تاثیر معکوس و معناداری بر مدیریت سود دارند.

علی‌اکبری‌ثانی (۱۳۹۶)، پژوهشی را با عنوان، کمیته حسابرسی، حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت و عملکرد شرکت، طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ و با استفاده از ۱۰۱ شرکت به عنوان نمونه، با روش رگرسیون چندمتغیره مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها نشان داد که بین تعداد جلسات کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی با عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود دارد و بین اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره با عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی با عملکرد شرکت رابطه معناداری ندارد.

کاکویی و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی را با عنوان، بررسی تاثیر وجود کمیته حسابرسی، پراکندگی مالکیت و تمرکز مالکیت بر تاخیر گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد بررسی قرار دادند. بدین منظور ۱۰۶ شرکت پژوهش در بازه زمانی ۷ ساله ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۴ انتخاب شدند. برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج نشان داد که وجود کمیته حسابرسی بر تاخیر گزارش حسابرسی تاثیر معناداری دارد. پراکندگی مالکیت (درصد سهامی که در اختیار سرمایه‌گذاران جزئی قرار دارد) بر تاخیر گزارش حسابرسی تاثیر معناداری ندارد. تمرکز مالکیت (درصد سهامی که در اختیار سرمایه‌گذاران عمده قرار دارد) بر تاخیر گزارش حسابرسی تاثیر معناداری ندارد.

عبارحیمی و فلاح (۱۳۹۵)، پژوهشی را با عنوان، تاثیر سرمایه‌گذاران نهادی و هیئت‌مدیره بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در دوره‌های مالی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار دادند. تحقیق حاضر از نظر هدف، از نوع کاربردی و بر مبنای ماهیت و روش، از نوع توصیفی-همبستگی است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است. نتایج آزمون بیانگر وجود تاثیر معنادار و مثبت بین درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، اندازه هیئت‌مدیره و استقلال هیئت‌مدیره بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های مورد بررسی بوده است.

آزادی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان، نقش استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات مالی، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مروری بر کلیه مقالات مرتبط با حوزه کمیته حسابرسی، به بررسی عوامل مؤثر بر افشای اطلاعات شرکت‌ها پرداختند. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است. نتایج حاکی از آن است که نقش کمیته حسابرسی مستقل و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات، موجب اعتبار گزارش‌دهی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و شفافیت اطلاعاتی و مالی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند در جهت کسب برتری رقابتی و نیل به اهداف بلندمدت شرکت‌ها به‌کار رفته شود.

برادران حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی را با عنوان، تاثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابرسی، مورد بررسی قرار دادند. بدین منظور تاثیر متغیرهای ساختار مالکیت (تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی)، بر کیفیت حسابرسی ۹۰ شرکت پذیرفته شده در

بورس اوراق بهادار، طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ بررسی شد. برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی از سه معیار اندازه، دوره تصدی و تخصص در صنعت موسسه حسابرسی استفاده شده است. در این پژوهش از مدل رگرسیون لجستیک با استفاده از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که میزان تمرکز مالکیت و درصد سهام مالکان نهادی بر اندازه موسسه حسابرسی تاثیر معنادار و منفی و بر تخصص در صنعت موسسه حسابرسی تاثیر معنادار و مثبت دارد، در حالی که تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی تاثیر معنادار بر دوره تصدی موسسه حسابرسی ندارند.

پژوهش‌های خارجی

الموسالی و همکاران (۲۰۱۹) پژوهشی را با عنوان، ساختار مالکیت و اثربخشی کمیته حسابرسی، کشورهای حوزه خلیج فارس، با استفاده از ۱۱۹ شرکت به روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی با داده‌های تلفیقی مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که مالکیت نهادی، مالکیت خانوادگی و مالکیت دولتی بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر مثبت دارد و به عنوان مکمل اثربخشی کمیته حسابرسی عمل می‌کنند.

همدن آمر و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان، ترجیحات سرمایه‌گذار نهادی، عملکرد حسابرسی داخلی و اثربخشی کمیته حسابرسی، ۲۰۲۰ سال - شرکت را برای دوره ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۲، به روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد بین عملکرد حسابرسی داخلی و اثربخشی کمیته حسابرسی و مالکیت نهادی رابطه مثبت وجود دارد.

عبدل و قیصر (۲۰۱۹) پژوهشی را با عنوان، ویژگی های هیئت مدیره، مالکیت متمرکز و عملکرد شرکت‌ها، با استفاده از داده‌های ۳۰۹ شرکت پذیرفته شده در بورس پاکستان طی سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۶ به روش رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد تمرکز بالاتر مالکیت بر مشکلات نمایندگی در شرکت غلبه کرده و منجر به عملکرد بهتر می‌شود. همچنین شرکت‌هایی که دارای هیئت مدیره بزرگتر هستند، عملکرد بهتری دارند. اما حضور مدیران مستقل باعث افزایش درگیری بین اعضای هیئت مدیره و در نتیجه کاهش اثربخشی هیئت مدیره می‌شود. علاوه بر این، نتایج نشان داد که سطح بالاتری از تمرکز مالکیت نیز بر رابطه بین اندازه هیئت مدیره، حضور مدیران مستقل و دوگانگی وظیفه مدیر عامل شرکت تاثیر می‌گذارد. نتایج تجربی نشان می‌دهد که مالکیت متمرکز بر کلیه اقدامات عملکرد شرکت در پاکستان تأثیر مثبت دارد.

پورتی و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی را با عنوان، استقلال کمیته‌های حسابرسی و محتوای اطلاعاتی اعلامیه سود، بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ به روش تحلیل رگرسیون چند متغیره انجام دادند. نتایج نشان داد که کمیته‌های حسابرسی با استقلال بیشتر، جایگزین موسسات ضعیف می‌شوند تا اعتبار اعلامیه‌های سود را افزایش دهند.

بلال و بوشراکومال (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان، تخصص مالی کمیته حسابرسی و کیفیت سود، از طریق فرا تحلیل، نتایج ۹۰ مطالعه با ۱۶۵،۵۲۹ مشاهده سال - شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و کیفیت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

القداسی و عابدین (۲۰۱۸) پژوهشی را با عنوان، اثربخشی راهبردی داخلی شرکت و کیفیت حسابرسی: نقش تمرکز مالکیت، شواهد مالزی، با استفاده از تعداد ۲۱۷۶ سال - شرکت، طی سال‌های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۲ به روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار دادند. شرکت‌هایی که تمرکز بالاتری از مالکیت دارند، احتمالاً خواهان حسابرسی گسترده هستند. علاوه بر این، این مطالعه شواهد پشتیبان برای ارتباط مکمل بین هزینه‌های مدیریتی یک شرکت و حسابرسی را ارائه می‌دهد. با این حال، تمرکز مالکیت نقش کمی در ارتباط مثبت بین حاکمیت داخلی شرکت‌ها و کیفیت حسابرسی دارد.

حسن و همکاران (۲۰۱۷) پژوهشی را با عنوان، آیا کمیته حسابرسی مکمل یا جایگزین سایر سازوکارهای راهبری شرکتی می‌شود: شواهدی از اقتصاد نوظهور، طی سال‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۳ با استفاده از ۴۸ شرکت پذیرفته شده در بورس دبی به روش رگرسیون لجستیک مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که اثربخشی کمیته حسابرسی با اندازه و استقلال هیئت مدیره رابطه مثبت دارد، اما با دوگانگی نقش مدیرعامل رابطه منفی دارد. همچنین رابطه منفی اثربخشی کمیته حسابرسی با هر یک از مالکیت دولتی و نهادی حاکمی از روابط جایگزین است.

همدن‌آمر (۲۰۱۷) پژوهشی را با عنوان، تمرکز مالکیت، مدیریت سود و نقدینگی بازار سهام: شواهدی از مالزی، با استفاده از تعداد ۵۰۵ شرکت طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ و تحلیل رگرسیون و تجزیه و تحلیل داده‌های تلفیقی مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این مطالعه رابطه منفی قابل توجهی بین تمرکز مالکیت و نقدینگی سهام نشان داده و ثابت کرد که درک بازار از مشکل انتخاب نامطلوب مرتبط با مالکیت متمرکز زیاد است. همچنین نتایج نشان داد که تمرکز مالکیت در مالزی عاملی مضر است که نقدینگی بازار سهام را مهار می‌کند. این یافته مطابق با مطالعات قبلی بوده و اثبات کرد که افزایش تمرکز سهامداری باعث افزایش عدم تقارن اطلاعات می‌شود و این امر منجر به کاهش نقدینگی می‌شود.

کاسای (۲۰۱۴) پژوهشی را با عنوان، ساختار مالکیت، کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی در ژاپن، با استفاده از ۲۰۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ژاپن طی سال‌های ۲۰۰۴ الی ۲۰۰۷ به روش رگرسیون خطی مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که حق‌الزحمه بالای حسابرسی، استقلال حسابرسان را به خطر می‌اندازد و در نتیجه منجر به کیفیت پایین حسابرسی می‌شود. این نتایج بیانگر این است که وجود میزان بالای سهامداران نهادی، منجر به افزایش کیفیت اقلام تعهدی می‌شود. همچنین نتایج بیانگر است که رابطه میان کیفیت حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی به وسیله سهامداران نهادی تعدیل می‌شود.

اشمیت و ویلکینز (۲۰۱۳) پژوهشی را با عنوان، بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر به موقع بودن گزارشگری مالی در یک فاصله زمانی ارائه مجدد صورتهای مالی، با استفاده از تعداد ۸۶ نمونه طی سال‌های ۲۰۰۴ الی ۲۰۰۹ به روش رگرسیون لجستیک مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی متخصص دارای افشای به موقع‌تری هستند و عدم تخصص اعضای حسابرسی منجر به ۳۸ درصد کاهش در به موقع بودن گزارش صورتهای مالی می‌گردد.

سیتی و همکاران (۲۰۱۲) پژوهشی را با عنوان، اثربخشی کمیته حسابرسی و گزارشگری به موقع: شواهدی از اندونزی، با استفاده از ۲۱۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی به رگرسیون چند متغیره مبتنی بر تکنیک حداقل مربعات معمولی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که اثربخشی کمیته حسابرسی با به موقع بودن گزارش حسابرسی رابطه مثبتی دارد و به کاهش زمان ارائه گزارش حسابرسی ختم می‌شود.

زوریگات (۲۰۱۱) پژوهشی را با عنوان، بررسی رابطه ساختار مالکیت و کیفیت حسابرسی، با استفاده از ۱۹۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اردن به روش رگرسیون لجستیک مورد بررسی قرار داد. بدین منظور برای ساختار مالکیت از سه شاخص مالکیت نهادی، مالکیت خارجی و تمرکز مالکیت استفاده کرد و کیفیت حسابرسی را نیز با استفاده از اندازه موسسه حسابرسی مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد شرکت‌هایی که دارای سهامدار خارجی و سهامدار نهادی می‌باشند رابطه معنادار و مثبت با کیفیت حسابرسی دارند. در حالی که تمرکز مالکیت با کیفیت حسابرسی رابطه منفی دارد.

فرضیه های پژوهش

در این پژوهش به دنبال بررسی فرضیه‌های زیر هستیم.

- ۱- مالکیت متمرکز بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر مثبت دارد.
- ۲- مالکیت دولتی بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر مثبت دارد.
- ۳- مالکیت نهادی بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر مثبت دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی (نیمه‌تجربی) است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته و تاریخی (صورت‌های مالی شرکت‌ها) انجام می‌گیرد. همچنین این پژوهش از نوع مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و تحلیلی-علی بوده می‌باشد. به دلیل اینکه این پژوهش به بررسی روابط بین متغیرها، اصول، قوانین و ساخت یا آزمایش تئوری‌ها و نظریه‌ها می‌پردازد و به توسعه مرزهای دانش رشته علمی کمک می‌نماید، از روش‌های استدلال استقرائی استفاده می‌کند و بر پایه روش‌های میدانی انجام می‌شود لذا از لحاظ هدف بنیادی-تجربی است. ضمن آنکه پژوهش مذکور توصیفی از نوع همبستگی است و روش نمونه‌گیری مبتنی بر حذف سیستماتیک می‌باشد. در این پژوهش در این پژوهش از ۱۸۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش تحلیل رگرسیونی لجستیک به منظور پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

جامعه پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ تشکیل می‌دهند که بر اساس معیارهای زیر انتخاب شده‌اند:

- ۱- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند باشد و در دوره مورد بررسی تغییر دوره مالی نداده باشند.
- ۲- جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری و لیزینگ و شرکت‌های بیمه) نباشد.
- ۳- جزء شرکت‌هایی که بعد از سال ۱۳۹۲ در بورس پذیرفته شده‌اند، نباشد.
- ۴- کلیه داده‌های موردنیاز پژوهش برای شرکت‌های مورد بررسی موجود و در دسترس باشد.

نحوه اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته در این پژوهش اثربخشی کمیته حسابرسی است. به استناد پژوهش‌های الموسالی و همکاران (۲۰۱۹)، علی و همکاران (۲۰۱۸) و دیفوند و همکاران (۲۰۰۵)، برای محاسبه اثربخشی کمیته حسابرسی از میانگین وزنی سه معیار اندازه، استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی استفاده می‌شود. سه معیار مورد نظر را جمع کرده و از آنها میانگین گرفته می‌شود. به شرکت‌های بالاتر از میانگین نمونه عدد یک (به عنوان شرکت‌هایی با کمیته حسابرسی دارای اثربخشی بالا) تعلق می‌گیرد و به شرکت‌های پایین‌تر از میانگین نمونه عدد صفر (به عنوان شرکت‌هایی با کمیته حسابرسی دارای اثربخشی پایین) اختصاص می‌یابد. سه معیار اندازه، استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی به صورت زیر تعریف می‌شود:

- ۱- اندازه کمیته حسابرسی: لگاریتم طبیعی تعداد اعضای کمیته حسابرسی،
- ۲- استقلال کمیته حسابرسی: تعداد اعضای مستقل کمیته به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی،

۳- تخصص مالی کمیته حسابرسی: تعداد کارشناسان مالی که در کمیته حسابرسی مشغول هستند به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی.

متغیر مستقل این پژوهش ساختار مالکیت است. به استناد پژوهش الموسالی (۲۰۱۹) از سه معیار مالکیت نهادی، مالکیت متمرکز و مالکیت دولتی استفاده می‌شود.

مالکیت نهادی

به استناد پژوهش‌های چانگ و ژانگ (۲۰۱۱) و نجفی‌مقدم (۱۳۹۶)، برای اندازه‌گیری میزان مشارکت سرمایه‌گذاران نهادی از رابطه شماره (۱) استفاده می‌شود، که نشان‌دهنده میزان سهام عادی شرکت نمونه که در مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی قرار دارد، می‌باشد. برای محاسبه آن، تعداد سهام مالکین نهادی بر کل تعداد سهام عادی شرکت در ابتدای دوره تقسیم می‌شود. این میزان برای هر سهامدار نهادی باید بزرگتر یا برابر با ۵ درصد کل سهام شرکت باشد.

رابطه شماره (۱)

$$\frac{I}{T} = INS_{i,t}$$

$INS_{i,t}$ = درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی،

I = تعداد سهام عادی در اختیار سرمایه‌گذار نهادی،

T = تعداد کل سهام عادی شرکت در ابتدای دوره.

مالکیت متمرکز

به استناد پژوهش خواجوی و همکاران (۱۳۹۳) تمرکز مالکیت، درصد سهام تحت تملک بزرگترین سهامدار شرکت (اولین سهامدار عمده) می‌باشد. لازم به ذکر است که سهامداران عمده، یعنی مالکیت بالای ۵ درصد (مشایخ و عبداللهی، ۱۳۹۰).

مالکیت دولتی

به استناد پژوهش‌های ملکیان و همکاران (۱۳۹۵) و ملکیان و نیکروان‌فرد (۱۳۹۴)، مالکیت دولتی به صورت مجموع سهام در اختیار سهامداران دولتی و نهادهای وابسته به دولت تقسیم بر کل سهام منتشره شرکت محاسبه می‌گردد.

متغیرهای کنترلی این پژوهش شامل اندازه شرکت، اهرم مالی، اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و بازده دارایی می‌باشند، که ذیلاً به بررسی هر یک پرداخته می‌شود.

اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌ها،

اهرم مالی: نسبت کل بدهی به ارزش دفتری دارایی‌های کل،

اندازه هیئت‌مدیره: لگاریتم طبیعی تعداد مدیران در هیئت‌مدیره،

استقلال هیئت‌مدیره: تعداد مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره به تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره،

بازده دارایی: سود خالص تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به استناد پژوهش الموسالی (۲۰۱۹)، از مدل رگرسیونی لجستیک به شرح رابطه شماره (۲) استفاده می‌شود:

رابطه شماره (۲)

$$ACEScore_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CONOWN_{i,t} + \beta_2 GOVOWN_{i,t} + \beta_3 INS_{i,t} + \beta_4 BS_{i,t} + \beta_5 BI_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \varepsilon$$

$ACEScore_{i,t}$: اثربخشی کمیته حسابرسی i در سال t ,

$CONOWN_{i,t}$: مالکیت متمرکز شرکت i در سال t ,

$GOVOWN_{i,t}$: مالکیت دولتی شرکت i در سال t ,

$INS_{i,t}$: مالکیت نهادی شرکت i در سال t ,

$BS_{i,t}$: اندازه هیئت‌مدیره شرکت i در سال t ,

$BI_{i,t}$: استقلال هیئت‌مدیره شرکت i در سال t ,

$SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t ,

$LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t ,

$ROA_{i,t}$: بازده دارایی شرکت i در سال t .

چنانچه ضریب β_1 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنی‌دار باشد فرضیه اول پژوهش رد نخواهد شد، در غیر اینصورت این فرضیه رد می‌شود.

چنانچه ضریب β_2 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنی‌دار باشد فرضیه دوم پژوهش رد نخواهد شد، در غیر اینصورت این فرضیه رد می‌شود.

چنانچه ضریب β_3 در سطح اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) مثبت و معنی‌دار باشد فرضیه سوم پژوهش رد نخواهد شد، در غیر اینصورت این فرضیه رد می‌شود.

یافته‌های پژوهش

در ادامه یافته‌های پژوهش را به صورت بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه نموده و سپس به نتیجه‌گیری از این یافته‌ها پرداخته می‌شود.

آمار توصیفی

جدول شماره (۱) آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی را برای کل مشاهده‌های این پژوهش نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، میانگین اثربخشی کمیته حسابرسی برابر با ۰٫۶۳۸ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر در حول این نقطه متمرکز یافته‌اند. میانگین متغیر اهرم مالی برابر با ۰٫۶۱۲ است و این یعنی

نیمی از داده‌های این متغیر کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. در طی قلمرو زمانی پژوهش بیشترین مقدار متغیر مالکیت متمرکز سهام برابر با ۰,۹۹۴ بوده و کمترین مقدار این متغیر برابر با ۰,۱۱۶ می باشد. شاخص‌های پراکندگی به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است. همان‌طور که در جدول (۱) نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می‌باشند. در جامعه آماری مورد بررسی بیشترین و کمترین مقدار انحراف معیار برابر با ۱,۴۸ و ۰,۱۴۸ است که به ترتیب مربوط به متغیرهای اندازه شرکت و بازده دارایی است.

پارامتر چولگی شاخص مورد بررسی دیگری است که میزان عدم تقارن منحنی فراوانی متغیر را نشان می‌دهد. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است، چنانچه ضریب مثبت باشد چولگی به راست وجود داشته و اگر این ضریب منفی باشد چولگی به چپ وجود خواهد داشت. به عنوان مثال ضریب چولگی متغیر مالکیت نهادی مثبت و برابر با ۰,۱۷۲ می‌باشد، یعنی منحنی فراوانی این متغیر در جامعه مورد بررسی چولگی به راست داشته و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی
اثربخشی کمیته حسابرسی	ACEScore _{i,t}	۰,۶۳۸	۱	۱	۰,۰۰	۰,۴۸۰	-۰,۵۷۶
مالکیت متمرکز	CONOWN _{i,t}	۰,۴۸۰	۰,۵۰۱	۰,۹۹۴	۰,۱۱۶	۰,۲۱۵	۰,۴۰۵
مالکیت دولتی	GOVOWN _{i,t}	۰,۱۲۸	۰	۰,۹۶۲	۰	۰,۲۱۷	۱,۹۹۶
مالکیت نهادی	INS _{i,t}	۰,۴۶۱	۰,۳۹۱	۰,۹۸۲	۰,۰۸۷	۰,۳۳۱	۰,۱۷۲
اندازه هیئت‌مدیره	BS _{i,t}	۵,۰۳۹	۵	۷	۵	۰,۲۷۳	۶,۸۶۴
استقلال هیئت‌مدیره	BI _{i,t}	۰,۶۶۶	۰,۶	۱	۰,۲	۰,۲۰۱	۰,۲۶۸
اندازه شرکت	SIZE _{i,t}	۱۴,۳۴	۱۴,۱۷	۱۹,۷۷	۱۰,۵۳	۱,۴۸۷	۰,۸۲۹
اهرم مالی	LEV _{i,t}	۰,۶۱۳	۰,۶۱۲	۱,۶۲۶	۰,۰۱۲	۰,۲۷۴	۱,۴۶۶
بازده دارایی	ROA _{i,t}	۰,۱۸۳	۰,۱۶۲	۰,۶۷۴	-۰,۲۳۷	۰,۱۴۸	۰,۵۰۱

تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های هر یک از مدل‌های بیان شده نیاز است قبل از پردازش آن‌ها و آزمون فرضیه‌ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شود. یکی از فروض رگرسیون بررسی همخطی بین متغیرها از آزمون عامل تورم واریانس^۱ است که بیان می‌دارد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت هم خطی افزایش یافته است. با توجه به اینکه عامل تورم واریانس برای متغیرهای پژوهش کمتر از عدد ۵ بوده است، بنابراین همخطی وجود ندارد که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

¹ Variance Inflation Factor

جدول (۲): نتایج آزمون بررسی احتمال وجود همخطی

نتیجه	عامل تورم واریانس (VIF)	نماد متغیر	فرض کلاسیک
نبود هم خطی	۲,۲۵۶	CONOWN	نبود هم خطی
	۱,۶۳۸	GOVOWN	
	۲,۱۴۴	INS	
	۲,۸۹۳	BS	
	۲,۷۹۰	BI	
	۳,۰۰۲	SIZE	
	۲,۳۹۳	LEV	
	۱,۶۲۲	ROA	

نتایج آزمون مدل های پژوهش

پس از انجام آزمون های آماری لازم، به منظور تعیین به کارگیری داده ها و اطمینان از صحت الگوی برازش شده، نتایج نهایی حاصل از تخمین مدل های پژوهش در ادامه ارائه می گردد. در تحلیل نتایج ابتدا به بررسی معناداری مدل و میزان بیان کنندگی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی پرداخته و در ادامه قبل از ارائه نتایج اصلی، به بیان درستنمایی مدل پژوهش می پردازیم. همانطور که در جدول (۳) نیز مشخص است، سطح معنادار بودن نسبت درستنمایی (LR) برابر با ۰,۰۰۰۰ است. صفر بودن این کمیت بدان معنا است که مدل مقید و غیرمقید تفاوت معناداری دارند و لذا متغیرهای توضیحی، قدرت توضیح دهندگی معناداری دارند. در واقع می توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. براساس نتایج همین فرضیه مقدار ضریب مک فادن برابر با ۰,۰۶ است که نشان می دهد ۶ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می شود.

جدول (۳): نتایج آزمون مدل پژوهش

$$\beta_1 \text{CONOWN}_{i,t} + \beta_2 \text{GOVOWN}_{i,t} + \beta_3 \text{INS}_{i,t} + \beta_4 \text{BS}_{i,t} + \beta_5 \text{BI}_{i,t} + \text{ACEScore}_{i,t} = \beta_0 + \beta_6 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} + \beta_8 \text{ROA}_{i,t} + \varepsilon$$

نام متغیر	نماد	ضریب بتا	سطح معناداری	نتیجه گیری
مالکیت متمرکز	CONOWN	۰,۱۹۶	۰,۳۰۸۳	نبود تأثیر معنادار
مالکیت دولتی	GOVOWN	۰,۳۵۵	۰,۱۱۷۰	نبود تأثیر معنادار
مالکیت نهادی	INS	۰,۱۵۵	۰,۲۸۷۴	نبود تأثیر معنادار
اندازه هیئت مدیره	BS	-۰,۲۷۴	۰,۰۵۷۶	نبود تأثیر معنادار
استقلال هیئت مدیره	BI	۰,۱۰۹	۰,۴۸۷۶	نبود تأثیر معنادار
اندازه شرکت	SIZE	۰,۲۰۸	۰,۰۰۰۰	تأثیر مثبت و معنادار
اهرم مالی	LEV	-۰,۹۶۳	۰,۰۰۰۰	تأثیر منفی و معنادار
بازده دارایی	ROA	-۰,۴۷۵	۰,۲۰۲۵	نبود تأثیر معنادار
عرض از مبدا	C	-۰,۸۴۴	۰,۳۱۶۸	-
آماره (LR)	معناداری آماره (LR)		ضریب مک فادن	
۹۲,۷۹	*۰,۰۰۰۰		۰,۰۶	

فرضیه اول پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مالکیت متمرکز بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر مثبت دارد یا خیر؟

ضریب برآورد شده متغیر مالکیت متمرکز برابر با ۰,۱۹۶ است که نشان می‌دهد تاثیر مورد بررسی به صورت مستقیم می‌باشد. همچنین سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر ذکر شده برابر با ۰,۳۰۸۳ می‌باشد [جدول (۳)] که نشان می‌دهد تاثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار نمی‌باشد. بنابراین با توجه به سطح معناداری مالکیت متمرکز، نمی‌توان گفت مالکیت متمرکز بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر معناداری دارد. لذا براساس این نتایج، فرضیه اول پژوهش رد می‌گردد.

فرضیه دوم پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مالکیت دولتی بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر مثبت دارد یا خیر؟

ضریب برآورد شده متغیر مالکیت دولتی برابر با ۰,۳۵۵ است که نشان می‌دهد تاثیر مورد بررسی به صورت مستقیم می‌باشد. همچنین سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر ذکر شده برابر با ۰,۱۱۷۰ می‌باشد [جدول (۳)] که نشان می‌دهد تاثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار نمی‌باشد. بنابراین با توجه به سطح معناداری مالکیت دولتی، نمی‌توان گفت مالکیت دولتی بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر معناداری دارد. براساس این نتایج، فرضیه دوم پژوهش رد می‌گردد. فرضیه سوم پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مالکیت نهادی بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر مثبت دارد یا خیر؟

ضریب برآورد شده متغیر مالکیت نهادی برابر با ۰,۱۵۵ است که نشان می‌دهد تاثیر مورد بررسی به صورت مستقیم می‌باشد. همچنین سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر ذکر شده برابر با ۰,۲۸۷۴ می‌باشد [جدول (۳)] که نشان می‌دهد تاثیر این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت معنادار نمی‌باشد. بنابراین با توجه به سطح معناداری مالکیت نهادی، نمی‌توان گفت مالکیت نهادی بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر معناداری دارد. براساس این نتایج، فرضیه سوم پژوهش رد می‌گردد.

محدودیت‌های پژوهش

- ۱- داده‌های استخراج شده از صورت‌های مالی شرکت‌ها، از بابت تورم تعدیل نگردیده است. لذا در صورت تعدیل اطلاعات مذکور، ممکن است نتایج متفاوتی از نتایج فعلی حاصل شود.
- ۲- از جمله عواملی که ممکن است نتایج پژوهش را تحت‌الشعاع قرار دهد شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه است که خارج از اختیارات و کنترل محقق می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر اثربخشی کمیته حسابرسی تدوین شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش، ملاحظه گردید که هیچ یک از فرضیه‌های اول، دوم و سوم پژوهش تایید نشدند. به عبارت دیگر بر مبنای نتایج به دست آمده، مالکیت متمرکز، مالکیت دولتی و مالکیت نهادی بر اثربخشی کمیته حسابرسی تاثیر معناداری ندارند. شرکت‌هایی که اکثریت سهام آنان در اختیار سهامداران عمده و بالاخص سهامداران کنترل‌کننده است، بیشتر در معرض خطرات و مشکلات ناشی از مسئله نمایندگی هستند. زیرا نظر سهامداران کنترل‌کننده در تمامی تصمیمات

اتخاذ شده در سطح هیئت مدیره، نظر غالب است. لذا برای این سهامداران بسیار آسان تر از سایر سهامداران است که بتوانند سازوکارهای نظارتی بر عملکرد مناسب و شفاف مدیریت را نادیده گرفته، برای دستیابی به منافعی برخلاف این سازوکارها عمل نمایند و نظارت سایر سهامداران را غیرممکن سازند. اکثر محققین در تحقیقات خود در زمینه تمرکز مالکیت به این نتیجه رسیده‌اند که این امکان وجود دارد که سهامداران عمده، سعی در پیشینه نمودن منافع خود داشته و منافع موجود در شرکت را به نفع خود مصادره نمایند. بنابراین می‌توان بیان کرد مالکیت متمرکز در عمل به عنوان نقش نظارتی نمی‌تواند نقش مکمل بر اثربخشی کمیته حسابرسی داشته باشد.

بر مبنای نتایج به دست آمده، فرضیه دوم پژوهش نیز رد شده است. ادبیات تحقیق تئوریک در حوزه رابطهمیان مالکیت دولتی و پیاده‌سازی رویه‌های مناسب حاکمیت شرکتی معمولاً نشان دهنده این موضوع هستند که جواب‌گویی، حساب‌خواهی و نظارت بر عملکرد مالی شرکت‌های تحت تملک دولت ضعیف است. به علاوه به خاطر دسترسی آسان به منافع مالی، احتمالاً انگیزه‌های این شرکت‌ها در پذیرش و به‌کارگیری مکانیزم‌های حاکمیتی قوی کاهش می‌یابد.

به همین ترتیب مالکیت نهادی بر اثربخشی کمیته حسابرسی نیز تاثیر معناداری ندارد. سرمایه‌گذاران نهادی نقش قابل توجهی در بهبود رویه‌های حاکمیت شرکتی در سطح جهان دارند. با توجه به کافی بودن منابع انسانی، منابع تکنیکی و مالی برای تاثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاران نهادی توانایی نظارت، نظم‌دهی و تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری مدیریت شرکت را دارند. از طریق نقش نظارتی فعال موجود در ارتباط با مدیران شرکت، همچون پیاده‌سازی شفافیت، کنترل ادواری کارایی و اثربخشی فعالیت‌ها، انتخاب هیئت مدیره و انگیزه‌های رای‌دهی؛ سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند مانعی برای اتخاذ تصمیم‌های غیر بهینه بوده و از رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت جلوگیری نمایند. بنابراین سرمایه‌گذاران نهادی از انگیزه‌های کمتر برای پیاده‌سازی کمیته‌های حسابرسی اثربخش برخوردار می‌باشند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- بر اساس نتایج به دست آمده از فرضیه اول پژوهش و با توجه به این نکته که ممکن است شرکت‌های با مالکیت متمرکز به دلیل حفظ منافع خود از سازوکارهای راهبری شرکتی همچون کمیته حسابرسی استفاده نکنند، به سرمایه‌گذاران و سایر سهامداران توصیه می‌گردد در بررسی وضعیت شرکت‌ها به ساختار مالکیت آن و سازوکارهای راهبری شرکتی آن توجه کافی داشته باشند.
- ۲- بر اساس نتایج به دست آمده از فرضیه دوم پژوهش، به مجریان دستگاه‌های دولتی توصیه می‌گردد که در نظارت بر شرکت‌های با مالکیت دولتی و نهادهای وابسته به دولت دقت لازم را به عمل آورده و جهت جلوگیری از ضعف عملکرد دستگاه‌های دولتی، اقدام به پیاده‌سازی مکانیزم راهبری شرکتی قوی در شرکت‌های با این نوع ساختار مالکیت نمایند.
- ۳- بر اساس نتایج به دست آمده از فرضیه سوم پژوهش، با توجه به این که مالکان نهادی نظارت قوی بر عملکرد مدیریت و حفظ منافع سهامداران داشته و نیازی به مکانیزم‌های راهبری شرکتی از جمله کمیته حسابرسی ندارند، لذا به سرمایه‌گذاران و سهامداران توصیه می‌شود در بررسی سیستم‌های کنترلی شرکت‌هایی با این نوع از ساختار مالکیت بر وجود کمیته حسابرسی اهمیت زیادی قائل نشوند.

منابع

- ✓ احمدی میر، کبری، قهرمانی، حسنا، (۱۳۹۷)، تأثیر هیئت مدیره مستقل، مالکیت نهادی و کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین حسابداری و مدیریت در هزاره سوم. کرج، دانشگاه جامع علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری‌ها.
- ✓ آزادی، کیهان، مشکى، مهدى، سمیع پور، مجتبی، (۱۳۹۴)، نقش استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات مالی. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس.
- ✓ آقوردی، محمد، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر مالکیت دولتی بر اظهار اشتباه گزارشگری و واکنش سرمایه گذاران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خلخال.
- ✓ آقای، محمدعلی، اعتمادی، حسین، آذر، عادل، چالاکی، پری، (۱۳۸۸)، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و محتوای اطلاعاتی سود در بورس اوراق بهادار تهران با تاکید بر نقش مدیریت سود، فصلنامه علوم مدیریت ایران، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۲۷-۵۳.
- ✓ برادران حسن‌زاده، رسول، بادآورنده‌دی، یونس، اسماعیلی گنجینه‌کتاب، سمیه، (۱۳۹۳)، تاثیر ساختار مالکیت بر کیفیت حسابرسی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۹۹-۱۱۵.
- ✓ پیرایش، رضا، اشتری، اسماعیل، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین چرخش حساب‌رسان و ساختار مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۷، شماره ۶۶، صص ۱۷۱-۱۸۸.
- ✓ تختائی، نصرالله، تیمی، محمد، موسوی، زهر، (۱۳۹۰)، نقش کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی، حسابدار رسمی، شماره ۱۵، صص ۴۵-۵۶.
- ✓ جامعی، رضا، رستمیان، آزاده، (۱۳۹۵)، تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱-۱۷.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، پاکیزه، کامران، (۱۳۸۶)، کیفیت گزارشگری مالی، حسابرسی و راهبری شرکتی، مجله حسابدار، شماره ۱۸۲.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، رئیسی، زهره، حسینی، سیدمجتبی، (۱۳۸۸)، رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علوم مدیریت ایران، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۷۵-۱۰۰.
- ✓ خوزین، علی، محمدی، جمال، نادریان، آرش، احمدی، معین، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی با افشای اختیاری اخلاقیات در شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، شماره ۱۴، صص ۱۳۵-۱۵۶.
- ✓ رویایی، رمضانعلی، ابراهیمی، محمد، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق، حسابداری مالی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۷۱-۸۸.

- ✓ شهیک تاش، محمدنبی، کاظمی، مهدی، امینی، موسوی، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت در بورس اوراق بهادار تهران: رویکرد پانل دیتا، مجله اقتصادی-دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره های (۹ و ۱۰)، صص ۵-۲۴.
- ✓ سورگی، علی، (۱۳۹۵)، تاثیر ساختار مالکیت و پیش بینی سود توسط مدیریت بر ریسک شرکت ها، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی عطار.
- ✓ سولومون، جیل، سولومون، آریس، (۱۳۸۴)، نقش سرمایه گذاران نهادی در حاکمیت شرکت های سهامی، ترجمه یحیی حساس یگانه و امیر پوریان‌سب، ماهنامه حسابداری، شماره ۱۶۵، صص ۲۵-۲۸.
- ✓ شیروانی، حامد، سروش یار، افسانه، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر تمرکز مالکیت در شرکتهای خانوادگی و غیر خانوادگی بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، راهبرد مدیریت مالی، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۱۶۵-۱۸۴.
- ✓ صادقی، حسین، رحیمی، پریسا، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس با استفاده از سیستم معادلات همزمان، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۸۹-۱۰۲.
- ✓ عبداللهی، مهین، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت، عملکرد شرکت و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- ✓ عبدالرحیمی، سپیده، فلاح، رضا، (۱۳۹۵)، تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی و هیئت مدیره بر کیفیت حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ششمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و سومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز.
- ✓ عبدی، مصطفی، ثنائی محمدی، محمدحسین، کاظمی علوم، مهدی، حیدری، یونس، (۱۳۹۸)، اثربخشی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی: دیدگاه نظریه نمایندگی، دانش حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۷۴، صص ۲۰۹-۲۳۶.
- ✓ علی اکبری ثانی، فائزه، (۱۳۹۶)، کمیته حسابرسی، حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت و عملکرد شرکت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حسابرسی، دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار.
- ✓ فخاری، حسین، محمدی، جواد، حسن نتاج کردی، محسن، (۱۳۹۴)، بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۲۳-۱۴۶.
- ✓ قنبریان، رضا، (۱۳۹۰)، کمیته حسابرسی، مجله حسابداری.
- ✓ کاکویی، مجتبی، خلعتبری لیماکی، عبدالصمد، آزاد، حامد، (۱۳۹۶). بررسی تاثیر وجود کمیته حسابرسی، پراکندگی مالکیت و تمرکز مالکیت بر تاخیر گزارش حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نهمین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت و ششمین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری های باز، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- ✓ محمدیان، محمد، (۱۳۹۰)، نقش و روابط حسابرس، کمیته حسابرسی و هیئت مدیره در پاسخگویی به سهامداران، مجله حسابرس، شماره ۵۶، صص ۱۳۶-۱۳۷.
- ✓ مشایخ، شهناز، عبداللهی، مهین، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت، عملکرد شرکت و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۷۱-۸۶.

- ✓ ملکیان، اسفندیار، سلمانی، رسول، شهسواری، معصومه، (۱۳۹۵)، مطالعه رابطه بین مالکیت دولتی و نهادی با مسئولیت-پذیری اجتماعی شرکت‌ها (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، دانش سرمایه گذاری، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۵۵-۷۴.
- ✓ ملکیان، اسفندیار، نیکروان فرد، بیتا، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر مالکان نهادی و دولتی بر دستمزد حسابرسی مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۲۷-۱۶۲.
- ✓ نجفی مقدم، علی، (۱۳۹۶)، هم‌زمانی قیمت سهام و نقش سرمایه‌گذاران نهادی در بورس اوراق بهادار تهران، دانش سرمایه‌گذاری، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۷۱-۸۴.
- ✓ نمازی، محمد، کرمانی، احسان، (۱۳۸۷)، تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۴، صص ۸۳-۱۰۰.
- ✓ واعظ، سیدعلی، انواری، ابراهیم، بنافی، محمد، (۱۳۹۵)، تاثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری، فصلنامه حسابداری مالی، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۱۰۱-۱۳۲.
- ✓ همتی، هدی، سیرانی، محمد، محمدی، قانع، (۱۳۹۴)، اثر کیفیت حسابرسی و ساختار مالکیت بر هم‌زمانی قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۶۱، صص ۱۹۳-۲۱۱.
- ✓ Abdul, W. Qaisar, A .M. (2019). Board characteristics, ownership concentration and firms' performance: A contingent theoretical based approach. South Asian Journal of Business Studies. Vol. 8 Issue: 2, pp.146-165.
- ✓ Allavi Tabari, S. H. & Asabakhsh, R. (2010). The role of Audit Committee and Its Barriers and Utilization in Iran. Accounting advances, 2 (1): 155-177. (In Persian).
- ✓ Ali, M.J., Singh, R.K.S. and Al-Akra, M. (2018). The impact of audit committee effectiveness on audit fees and non-audit service fees: evidence from Australia. Accounting Research Journal, Journal, available at: <https://doi.org/10.1108/ARJ-11-2015-0144>
- ✓ Al-Musali, M.A., Helmi Qeshta, M., Al-Attafi, Abood, M.A., Al-Ebel, M. (2019). Ownership structure and audit committee effectiveness: evidence from top GCC capitalized firms. International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management.
- ✓ AlQadasi, A. Abidin, Sh. (2018). The effectiveness of internal corporate governance and audit quality: the role of ownership concentration – Malaysian evidence. Corporate Governance: The International Journal of Business in Society.
- ✓ Bedard, J., Chtourou, S.M. & Courteau, L (2004). The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management, Auditing. A Journal of Practice & Theory, 23 (2): 13-35.
- ✓ Bilala, Songsheng., Chena, Bushra Komal. (2018). Audit committee financial expertise and earnings quality: A metaanalysis. Journal of Business Research, 84: 253-270.
- ✓ Bushee, B. J (1998). The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior. The Accounting Review, 73(July): 305-334.
- ✓ Carcello, J., Neal, T., Palmrose, Z., & Scholz, S. (2011). CEO Involvement in Selecting Board Members, Audit Committee Effectiveness, and Restatements. Contemporary Accounting Research, 28 (2): 396-430.
- ✓ Darmadi, S. and Sodikin, A. (2013). Information disclosure by family-controlled firms: the role of board independence and institutional ownership. Asian Review of Accounting, Vol. 21 No. 3, pp. 223-240.

- ✓ DeFond, M.L., Hann, R.N. and Hu, X. (2005). Does the market value financial expertise on audit committees of boards of directors? *Journal of Accounting Research*, 43 (2): 153-193.
- ✓ DeZoort, F. T. & Salterio, S. (2001). The Effects of Corporate Governance Experience and Financial Reporting and Audit Knowledge on Audit Committee Members' judgments. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 20 (2): 31-47.
- ✓ Hamdan Amer Al-Jaifi, Ahmed Hussien Al-Rassas, Adel Al-Qadasi. (2019). Institutional investor preferences: Do internal auditing function and audit committee effectiveness matter in Malaysia? *Management Research Review*. 42 (5): 641-659.
- ✓ Hamdan Amer, Al-Jaifi. (2017). Ownership Concentration, Earnings Management and Stock Market Liquidity: Evidence from Malaysia. *Corporate Governance. The International Journal of Business in Society*, Vol. 17 Issue: 3, pp. -, doi: 10.1108/CG-06-2016-0139
- ✓ Hassan, Y., Hijazi, R. and Naser, N. (2017). Does audit committee substitute or complement other corporate governance mechanisms: evidence from an emerging economy, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 32 No. 7, pp. 658-681.
- ✓ Kasai, N. (2014). Ownership Structure, Audit Fees, and Audit Quality in Japan. Working Paper Series, No. 216.
- ✓ Mitra, S., Deis, D.R. Hossain, M. (2007). The empirical relationship between ownership characteristics and audit fees. *Review of Quantitative Finance and Accounting* 28(3):257-285.
- ✓ Poretti, C., Schat, A., Bruynseels, L. (2018). Audit committees' independence and the information content of earnings announcements in Western Europe. *Journal of Accounting Literature*, 40: 29-53.
- ✓ Porter, B.A. Gendall, P.J. (1993). An international comparison of the development and rule of audit committee in the private corporate sector. Working paper. Palmerston North: Massey University Accounting Department.
- ✓ Pucheta-Martínez, M.C. De Fuentes, C. (2007). The Impact of Audit Committee Characteristics on the Enhancement of the Quality of Financial Reporting: An Empirical Study in the Spanish Context. *Corporate Governance: An International Review*, Journal compilation Blackwell Publishing Ltd, 15 (6): 1394-1412.
- ✓ Rahmat, M. M., Iskandar, T. M. (2009). Audit Committee Characteristics in Financially Distressed and Non-Distressed Companies. *Managerial Auditing Journal*, 24 (7), 625-638.
- ✓ Saidi, N. (2011). Corporate governance in the GCC: What has been done and what remains. *Qatar Business Review*.
- ✓ Sanghoon, Lee. (2008) Ownership Structure and Financial performance: Evidence from Panel Data of South Korea. *Corporate Ownership & Control*, 6(2-2), 254-267. <http://doi.org/10.22495/cocv6i2c2p1>.
- ✓ Schmidt, J. Wilkins, M. (2013). Bringing Darkness to Light: The Influence of Auditor Quality and Audit Committee Expertise on the Timeliness of Financial Statement Restatement Disclosures. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 32, No. 1.
- ✓ Shleifer, A. and Vishny, R. (1986). Large shareholders and corporate control. *Journal of Political Economy*, 94(3), pp.461-488.
- ✓ Siti, R.I., Nazli, A., Mohd, G. (2011). Audit committee effectiveness and timeliness of reporting: Indonesian evidence. *Managerial Auditing Journal*, 27(4), 403-424.
- ✓ Victoravich, L.M., Xu, P. and Gan, H. (2012). Institutional ownership and executive compensation: evidence from US banks during the financial crisis. *Managerial Finance*, Vol. 39 No. 1, pp. 28-46.

- ✓ Vinten, G. Lee, C. (1993). Audit committee and corporate control. *Managerial Auditing Journal*, 8 (3), 113-42.
- ✓ Wang, M-C. Lee, M-H. and Chuang, J-J. (2015). Relations among audit committee establishment, information transparency and earnings quality: evidence from simultaneous equation models, *Quality & Quantity: International Journal of Methodology*, pp 1- 15, first online: 03 october.
- ✓ Zureigat, Q. (2011). The Effect of Ownership Structure on Audit Quality: Evidence from Jordan. *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 2, No. 10, PP. 38 – 46.